



۴

# خطابه و خطیبان جمعه



سید رضا تقوی

اشاره:

کوششهای دلسوزانه به نمایش  
بگذارد.

به طوری که آنانکه بر مسند امامت  
و پیشوایی مردم تکیه می‌زنند و توقع  
پیروی را از مخاطبان خود دارند، باید  
اساس تلاشهای هدایتی را بر مبنای  
مردم دوستی، انجام تکلیف، خدمت به  
همنوع، علاقه‌مندی و دلسوزی سامان  
بخشند و این‌گونه افراد، از ویژگیهای  
شخصیتی و روحی خاصی  
برخوردارند. تصنع و سیاسی کاری،  
تکلف و ریاکاری در حوزه گفتار و  
رفتارشان وجود ندارد. نمونه‌های والا  
در این میدان، پیامبران بزرگ الهی و

در قسمتهای قبلی این مقاله، به  
بررسی تاریخ پیدایش خطابه و تحول  
خطابه در اسلام پرداختیم و آن‌گاه  
آداب خطیب را مطرح کرده و چهار  
مورد از آن را توضیح دادیم. اینک ادامه  
بحث را پی می‌گیریم.

۵. دلسوزی

از دیگر آدابی که خطیب باید در  
خطابه خود به‌گونه‌ای مناسب لحاظ  
کند، دلسوزی است. او باید نسبت به  
هدایت، تربیت، آموزش و افزایش  
سطح رشد و کمال مخاطب علاقه‌مند  
باشد و این را در تلاشهای مخلصانه و

«ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید! خدایی غیر از او برای شما نیست و [به هنگام فروش اجناس،] در پیمانانه و وزن، کم فروشی نکنید! من در این‌گونه توصیه‌ها خیر شما را می‌خواهم و من برای شما از عذاب روز فراگیر سخت بیمناکم.»

قرآن کریم در چند مورد دلسوزی و علاقه‌مندی پیامبر اسلام ﷺ را نیز نسبت به امت خود بیان کرده است و عشق آن دریای رحمت و محبت را این‌گونه ترسیم می‌کند.

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾<sup>۳</sup>

«ای پیامبر! [چه بسا می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست بدهی که چرا این مردم به آیات آسمانی قرآن، ایمان نمی‌آورند!]

در سوره شعراء نیز خداوند متعال پیامبر اسلام ﷺ را مورد خطاب قرار داده و فرموده است:

﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا

اولیاء خدا ﷻ و مؤمنان با صفا بوده‌اند که در طول دوران زندگی پر افتخارشان، برای خدمت به مردم سر از پا نشناختند و یک لحظه آرامش و قرار نداشتند. تصویری که قرآن کریم از شخصیت پیامبران خدا ارائه می‌دهد، بهترین گواه بر این مطلب است؛ به عنوان مثال درباره حضرت نوح ﷺ می‌فرماید:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لِنِيلٍ وَنَهَارًا﴾<sup>۱</sup>

«[نوح پس از تلاشهای دلسوزانه بسیار] عرض کرد: پروردگارم! [سر از پای نشناختم و] شب و روز [در خدمت به مردم بودم و] قوم خود را به راه راست دعوت کردم.»

و آن‌هنگام که شعیب ﷺ از طرف خداوند مأموریت پیدا کرد تا به شهر مدین برود و مردم را به توحید و عدالت دعوت کند، با ساکنان آن سرزمین این‌طور سخن گفت:

﴿قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾<sup>۲</sup>

۱. نوح / ۵۱.

۲. هود / ۸۴.

۳. کهف / ۶۱.

مُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>

«ای پیامبر! چه بسا از شدت اندوه به خاطر اینکه این مردم ایمان نمی‌آورند، جان خود را از دست بدهی!»

«باخ» از ماده «بخع» (بر وزن نخل) به معنی هلاک کردن خویشتن از شدت غم و اندوه است. این تعبیر نشان می‌دهد که تا چه اندازه پیامبر اسلام ﷺ نسبت به مردم دلسوز و در انسجام رسالت خویش اصرار و پافشاری داشت و از اینکه می‌دید تشنه کامانی در کنار چشمه آب زلال قرآن و اسلام نشسته‌اند و باز از تشنگی فریاد می‌کشند، ناراحت بود. ناراحت بود که چرا انسان عاقل با داشتن این همه چراغ روشن باز از بیراهه می‌رود و در پرتگاه فرو می‌غلطد و نابود می‌شود؟

آری، همه پیامبران الهی این چنین دلسوز بودند؛ مخصوصاً پیامبر اسلام ﷺ که این تعبیر درباره آن حضرت در موارد متعددی از قرآن آمده است.

بعضی از مفسران می‌گویند که «سبب نزول آیه فوق این بوده که

پیامبر ﷺ مرتباً اهل مکه را به توحید دعوت می‌کرد؛ اما آنها ایمان نمی‌آوردند. پیامبر ﷺ آن قدر ناراحت شده بود که آثار آن در چهره‌اش آشکار بود. آیه فوق نازل شد و پیامبر ﷺ را دلداری داد.»<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم ﷺ از سر دلسوزی، با تمام توان مردم مکه را به توحید دعوت می‌کرد و به هر اندازه که آن پیامبر رحمت، در جهت خیرخواهی و هدایت، مقاومت می‌کرد، مشرکان در دشمنی و کفر خود اصرار می‌ورزیدند و آن بزرگوار را مورد آزار قرار می‌دادند و لذا رسول خدا ﷺ از اینکه سخنان خیرخواهانه و تلاشهای دلسوزانه‌اش مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت، به شدت ناراحت شد که خداوند متعال، او را با این آیه دلداری داد:

«طه ما أنزلنا عليك القرآن لتشتفي»<sup>۳</sup>

«ای پیامبر! ما قرآن را بر تو فرو

۱. شعراء / ۳۷.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۸۳ و ج ۱۲، ص ۳۴۸.

۳. طه / ۱-۲.

محبت و عشق الهی آتشی است  
که بر چیزی نمی‌گذرد، مگر آنکه آن را  
به آتش می‌کشد.»

دلی دردمند و درونی سرشار از  
سوز و گداز داشتن، از نعمتهای  
خداوند است که نصیب همه کس  
نمی‌شود. قابلیت می‌خواهد و این  
قابلیت باید بر اثر جهاد با نفس به  
وجود آید.

یکی از خواسته‌های همیشگی  
اولیاء الهی، این بوده است که خداوند  
به آنان سینه‌ای پر سوز و دلی پر درد  
مرحمت فرماید؛ چون از نگاه ایشان،  
دل افسرده و سینه بی‌سوز بیماری  
خطرناکی است که باید هر چه سریع‌تر  
به مداوای آن پرداخت.

الهی سینه‌ای ده آتش افروز  
در آن سینه دلی و آن دل همه سوز  
هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست

دل افسرده غیر از آب و گل نیست  
آنان که از موضع هدایت و رهبری  
با مردم سخن می‌گویند، اگر بخواهند  
تأثیر کلام خود را افزایش بدهند، باید

نفرستادیم که [تا این اندازه] خود را به  
رنج و مشقت بیندازی.»

رهبران الهی و انسانهای دلسوز،  
در خدمت به دیگران لحظه‌ای درنگ  
را جایز نمی‌دانند و نشان دلسوزی،  
بی‌قراری است؛ زیرا دلسوزان بی‌قرار،  
به مرتبه‌ای از عشق رسیده‌اند که در  
حقیقت مرتبه‌ای از ایمان به شمار  
می‌آید. نمونه چنین افرادی پیامبران  
هستند که تک و تنها و با اتکال به  
خدای متعال در برابر طاغوتهای زمان  
ایستادند و در این مسیر، شکنجه‌ها و  
سختیهای فراوانی را متحمل شدند؛  
همان طور که پیامبر اسلام ﷺ در مورد  
خود فرمود:

«مَا أُوذِيَ أَحَدًا مَا أُوْذِيْتُ فِي اللَّهِ؛<sup>۱</sup>

آن اندازه که من در دعوت به خدا  
مورد اذیت و آزار قرار گرفتم، هیچ  
فردی اذیت نشد.»

عشقی که در عمق جان این‌گونه  
انسانها شعله می‌کشد، موجب می‌شود  
تا با همه آزارها، سر از پا نشناسند و راه  
خود را ادامه بدهند.

حضرت علیؑ فرمود: «حُبُّ اللَّهِ

نَارٌ لَا يَمُرُّ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا احْتَرَقَ؛<sup>۲</sup>

۱. جامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. مصباح الشریعة، باب ۹۶.

نیز به اثبات برساند و به عبارت دیگر، مواعظ و خیر خواهیهای زبانی را با رفتار دلسوزانه مهر تأیید بزنند؛ همچنان که علی علیه السلام در نامه‌ای به فرماندارش، عثمان بن حنیف، می‌نویسد:

«أَفْتَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أَشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أَسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ؛<sup>۱</sup> آیا درباره خود به این لقب قانع و دلخوش باشم که به من امیر مؤمنان بگویند و حال آنکه در ناملایمات زمانه شریک آنان نباشم و یا در سختیهای زندگی الگوی آنها قرار نگیرم؟»

آن روز که به علی علیه السلام خبر دادند عثمان بن حنیف به عنوان فرماندار و نماینده حکومت علوی در منطقه بصره، به یکی از میهمانیهای مجلل رفته است که در آن مجلس سفره‌ای رنگین گسترده و ثروتمندان را خوانده و فقیران را رانده بودند، به شدت برآشفته و با بی‌تابی برای فرماندارش نامه نوشت و در فرازی از آن نامه

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۸۳

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

مخاطب آنها به این نکته اطمینان پیدا کند که راهنماییها و مواعظ گوینده از باب دلسوزی است و لذا برای ایجاد چنین فضای ذهنی، باید به موقعیت‌شناسی مخاطب کاملاً توجه داشت؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدایتگران جامعه و آمران به معروف را این طور راهنمایی می‌کند:

«وَصَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَخْتِاجُ إِلَى أَنْ يَكُونَ تَاصِحًا لِلْخَلْقِ رَحِيمًا رَفِيقًا بِهِمْ دَاعِيًا لَهُمْ بِاللُّطْفِ وَحُسْنِ الْبَيَانِ عَارِفًا بِتَفَاوُتِ أَخْلَاقِهِمْ لِيُنَزِّلَ كُلًّا مَنَزِلَتَهُ؛<sup>۱</sup>

آمر به معروف به [یک سلسله از] خصلتهایی نیازمند است... از جمله اینکه او باید دلسوز و خیر خواه مردم باشد، [در برخورد] با آنها با مهربانی و ملایمت رفتار کند، مردم را با محبت و کلام زیبا به خیر و خوبی دعوت نماید، و به تفاوت‌های اخلاقی و موقعیتهای اجتماعی آنان آگاه باشد تا با هر فردی به تناسب موقعیتش برخورد کند.»

امام جمعه که در موقعیت هدایت مردم قرار دارد، باید خطابه‌های خود را از سر دلسوزی القاء کند و این دلسوزی را نه تنها در بیان که در عمل

دردمندانه فرمود:

«وَمَا ظَنَنْتُ أَنْكَ تُجِيبَ إِلَيَّ طَعَامِ قَوْمِ  
عَائِلَتِهِمْ مَجْفُومًا وَعَيْنُهُمْ مَدْعُومًا»<sup>۱</sup>

گمان نمی‌کردم تو دعوت سفره  
گروهی را اجابت کنی که فقیران آنها  
طرد گردیده و غنی و مرفه آنان دعوت  
شده باشند.»

امامان و رهبران جامعه باید در  
گفتار و رفتار، به مردم عشق بورزند؛  
چرا که عشق به مردم نتیجه بیدار دلی و  
آگاهی است؛ چنان‌که گفته‌اند:

هر که او بیدارتر پر دردتر

هر که او آگاه تر رخ زردتر

انسانهای عاشق، نخست به  
بیداری و شعور باطنی می‌رسند و  
سپس زیباییها و کمالات را در چهره  
معشوق می‌یابند. به عبارت دیگر،  
عشق، فرزند شعور و بیداری است و به  
هر نسبتی که آگاهی و بیدار دلی بیشتر  
باشد، شعله‌های عشق سوزاننده‌تر  
خواهد بود.

غلام عشق شو اندیشه این است

همه صاحب‌دلان را پیشه این است

دلی کز عشق خالی شد فسرده است

گرش صد جان بود بی‌عشق مرده است

مبین در عقل کان سلطان جان است

قدم در عشق نه کان جان جان است

۶. آراستگی خطیب

آنان که در مجامع عمومی ظاهر  
می‌شوند و رسالت فکری و نقش  
فرهنگی خود را از طریق حضور در  
میان مردم ایفا می‌کنند، باید از لحاظ  
ظاهر چهره‌ای مقبول و شمایل‌ی آراسته  
داشته باشند تا در جذب مخاطب  
توفیق بیشتری را به دست آورند.

انسانها بر اساس طبیعت و  
فطریشان، پیش از آنکه سخنان گوینده  
را بشنوند و با محتوای فکر و ذهن او  
آشنا شوند، قیافه و ظاهرش را مشاهده  
می‌کنند. اگر خطیب ظاهری قابل قبول  
و چشم نواز داشته باشد، زمینه را برای  
توجه به کلامش تا حدودی فراهم  
کرده است.

قرآن کریم همگان را به این نکته  
تربیتی توصیه می‌کند که برای حضور  
در مجامع عمومی، همانند مسجد و  
انجام عبادت، با نظافت و آراستگی  
وارد شوید:

خداوند زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد. پس من برای پروردگارم، خویش را آراسته می‌کنم که او می‌فرماید: «چون برای عبادت به مسجد می‌روید، لباس آراسته و زینت در بر گیرید.» پس [بر اساس فرمان الهی] دوست می‌دارم [به هنگام نماز] بهترین لباس خودم را بر تن کنم.»

ره‌نمود روانشناسانه پیامبر اکرم ﷺ نیز از هر جهت قابل تأمل است؛ آنجا که فرمود:

«إِذَا بَعَثْتُمْ إِلَيَّ رَسُولًا فَاَبْعَثُوهُ حُسْنَ الْوَجْهِ حُسْنَ الْإِسْمِ؛<sup>۳</sup>

آن‌گاه که قاصد و رسولی را [برای رساندن پیامی] به نزد من می‌فرستید، کسی را انتخاب کنید و بفرستید که دارای چهره‌ای زیبا و اسمی نیکو باشد.»

همچنین خط زیبا، علاوه بر امتیازات فراوانی که به همراه دارد، در انتقال محتوا و پیام نویسنده به

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛<sup>۱</sup> «ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید!»

هنگامی که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام برای عبادت پروردگار و یا حضور در مجامع عمومی خود را آماده می‌کردند، بهترین و نظیف‌ترین لباس را می‌پوشیدند و خود را با عطر و بوی خوش معطر می‌ساختند و با آراسته‌ترین شکل ظاهر می‌شدند. وقتی از آن بزرگوار در مورد آراستگی می‌پرسیدند، در پاسخ به همین آیه استناد می‌فرمودند و کار خود را نوعی عمل به دستور خداوند متعال می‌دانستند.

در روایتی نقل شده است که امام حسن مجتبی علیه‌السلام هر گاه برای نماز آماده می‌شد، بهترین لباس خود را می‌پوشید. از آن حضرت سؤال شد: فلسفه این عمل چیست؟ در پاسخ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فَأَجِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي؛<sup>۲</sup>

۱. اعراف / ۳۱.

۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۱۲؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸۹.

۳. کنز العمال، ج ۶، ص ۸۰ ح ۱۴۹۳۷.

بگذشت. گفت: تو را مشاهره (مزد یا مقررری ماهانه) چند است؟ گفت: هیچ. گفت: پس این زحمت خود چندین چرا همی دهی؟ گفت: از بهر خدا می خوانم. گفت: از بهر خدا مخوان! گر تو قرآن بر این نمط خوانی

بسیری رونق مسلمانی. بخشی از زیباییهایی که در اختیار انسان قرار گرفته، طبیعی است یعنی دست قدرت خالق متعال و مالک اصلی جلوه‌ها و جمال، آنها را به وجود آورده و به عنوان نعمتی گرانبها به انسان ارزانی داشته است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «حُسْنُ وَجْهِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ عِنَايَةِ اللَّهِ بِهِ»<sup>۱</sup> زیبایی چهره مؤمن، [در حقیقت] زیبایی عنایت و لطف خداوند به مؤمن است. ولی برخی از زیباییها با نظم و انتظام، ظرافت، نظافت و آراستگی به وجود می آید و بستگی به توجه، دقت، ذوق و سلیقه انسان دارد.

خواننده، نقش مؤثری را ایفا می کند؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْخَطُّ الْحَسَنُ يَزِيدُ الْحَقَّ وَضَحًا»<sup>۱</sup> خط زیبا، آشکاری حق را [در جهت ابلاغ پیام و تفهیم محتوا] افزون می سازد.»

هیچ کلامی از لحاظ ساختار زیباشناسی، به زیبایی کلام حق تعالی و آیات نورانی قرآن کریم نیست؛ ولی همین کلام زیبا، اگر با صدای خوش و آهنگ گوش نواز قرائت شود، بر زیبایی و جذابیت آن افزوده خواهد شد.

حضرت رضا علیه السلام از قول پیامبر خدا نقل کرد که آن حضرت فرمود: «حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»<sup>۲</sup> با صداهای [زیبای] خود، قرآن را زیبایی بخشید! همانا صدای زیبا، بر زیبایی قرآن می افزاید.»

سعدی در «گلستان» داستانی را نقل کرده که بیان آن خالی از لطف نیست:

«ناخوش آوازی به بانگ بلند قرآن همی خواند. صاحب‌دلی برو

۱. نهج الفصاحة، ص ۳۲۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۸۵۹؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹۴.

۳. غرر الحکم، ح ۱۵۵۹.



نمونه از نمودهای آراستگی در حوزه خطابه، با استناد به سیره و سنت پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام اشاره می‌کنیم که هر کدام از این نمودها و عناصر می‌تواند در ایجاد جاذبه و ابلاغ پیام تا حدودی مؤثر باشد:

### ۱. لباس خطیب

از آداب خطابه این است که خطیب با لباس مناسب، تمیز و منظم در برابر مردم ظاهر شود. اگر چه فلسفه وجودی لباس برای پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما و گرما است، ولی این موضوع با سایر پیامهایی که انسانها از طریق نوع پوشش به دیگران می‌دهند، منافات ندارد.

در طول تاریخ چنین بوده است که انسان بخشی از فکر، فرهنگ و بینش خود را در نوع لباس و چگونگی پوشش اعلام کرده است و معمولاً لباس بیانگر گرایش فرهنگی انسان می‌باشد و گاه لباس، معرف موقعیت اجتماعی و بیان‌کننده شخصیت و مفسر ذهنیت انسان نیز هست.

خطیب جمعه، به خاطر موقعیت و رسالتی که بر عهده دارد، باید بخش قابل توجهی از مطالب خود را در شکل و شمایل ظاهری و شیوه‌های رفتاری خویش بریزد و از این طریق، بخشی از پیام خود را به مخاطب ابلاغ کند؛ زیرا زبان ظاهر تا حدودی نمایانگر زبان باطن است و زبان رفتار گویاتر از زبان گفتار است.

مادر فرهنگ اسلامی معتقدیم پیامبران و امامان که رهبری و هدایت امت را بر عهده می‌گیرند، نباید از نظر ظاهر نقص و نارسایی داشته باشند؛ زیرا وجود پیامبر و امام باید از هر جهت وجود کامل باشد و نقص ظاهری، موجب اخلال در انجام رسالت خواهد بود. بنابراین، سفیران الهی باید از زیباییهای ظاهری برخوردار باشند؛ همان‌طور که امام صادق علیه السلام در مورد پیامبران فرموده است: «مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا حَسَنَ الصَّوْتِ؛<sup>۱</sup> خداوند متعال پیامبری را بر نینگیخت، مگر اینکه صدای زیبایی داشت.»

بعد از بیان این مقدمه، به چند

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۶.

پیامبر ﷺ از اتاق خود خارج می شد تا آن مرد را دیدار کند، نخست خود را جلو ظرف آب زلالی که در داخل اتاق بود، قرار داد و سر و صورت و لباس خود را مرتب کرد و سپس با آن مرد ملاقات نمود.

عایشه که پیامبر ﷺ را زیر نظر داشت، از رفتار آن حضرت تعجب کرد و بعد از مراجعت ایشان، عرض کرد: یا رسول الله! پیش از ملاقات، در برابر ظرف آب قرار گرفتی و موی و روی و لباس خود را منظم کردی؟ پیامبر فرمود:

«يَا عَائِشَةُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا خَرَجَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ إِلَى أَخِيهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُ وَأَنْ يَتَجَمَّلَ؛ اِی عایشه! خداوند دوست دارد وقتی یکی از بندگان با ایمانش برای دیدار برادرش می رود، خود را [برای دیدار با او آماده و] آراسته کند.»<sup>۱</sup>

با توجه به این روایت، وقتی برای دیدار با یک مسلمان باید خود را آراسته کرد، آیا برای ملاقات با هزاران انسان مؤمن که در مصلاگرد آمده اند و

پوشاک همانند سایر پدیده های زندگی سیر تکامل خود را طی کرده و همراه با ارتقای سطح فکر و فرهنگ بشری، تغییرات فراوانی داشته است. ملتها و اقوام مختلف هر کدام بنا به مقتضیات اقلیمی، آداب و عادات و رسوم، مذهب، وضع اجتماعی، اقتصادی و درجه فرهنگ و تمدن، به تهیه لباسهای گوناگون پرداخته و در شکل، تزئین و انتخاب رنگ، ابتکاراتی از خود نشان داده اند. عواملی از قبیل: آب و هوا، کار و پیشه، جنگ، اکتشاف و اختراع و انقلاب اجتماعی و فرهنگی در ادوار مختلف، موجبات تغییر و تحول در لباس را فراهم آورده اند.

خطیب جمعه باید بخشی از آراستگی خود را در لباس به نمایش بگذارد؛ لباسی متناسب با فضای معنوی نماز و موقعیت روشنگری، بر اندام خود بیپوشاند و در مقابل مردم قرار گیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی آهنگ خانه رسول خدا ﷺ کرد تا با آن حضرت ملاقات کند. آن گاه که

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۰۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۵۱.

به انتظار دیدار امام جمعه نشستند، نباید با آراستگی مطلوب در برابر آنها ظاهر شد؟ سیره پیشوایان دین چنین بوده است که با بهترین و نظیف‌ترین پوشش در اجتماع ظاهر می‌شدند:

«كَانَ جُلُوسُ الرَّضَاءِ فِي الصَّيْفِ عَلَى حَصِيرٍ وَفِي الشِّتَاءِ عَلَى مِسْحٍ وَلَبَشُهُ الْغَلِيظُ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَرَيَنَّ لَهُمْ؛<sup>۱</sup> سیره حضرت رضاء عليه السلام این بود که در فصل تابستان روی حصیر و در زمستان روی گلیم می‌نشستند و لباس خشن بر تن می‌پوشیدند؛ ولی هنگام حضور در اجتماع، خود را برای مردم مزین و آراسته می‌کردند.»

همان‌طور که خطیب جمعه باید در برابر مردم با آراستگی ظاهر شود، در هنگام نماز نیز که نوعی دیدار با خدای متعال است، باید با آراستگی هر چه بهتر در محراب عبادت قرار بگیرد و این نوع رفتار، خود نشانی از معرفت نماز گزار خواهد بود؛ همچنان‌که پیشوایان دین این‌گونه بوده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نماز لباس مخصوص داشت که از لحاظ نظافت و آراستگی با دیگر لباسهایش متفاوت بود:

«كَانَ لَهُ بُرْدَانٍ مَسْرُوبَانِ لِبِصْلَانٍ لَنَا يَلْبَسُهُمَا إِلَّا فِيهَا وَكَانَ يَحْتُمُّ أُمَّتَهُ عَلَى النَّظَافَةِ وَيَأْمُرُهُمْ بِهَا؛<sup>۲</sup> برای آن حضرت دو لباس «بُرد» بافته شده بود که فقط آنها را در نماز می‌پوشید. و امت [و پیروان] خود را به نظافت ترغیب می‌کرد و به طهارت و پاکیزگی دستور می‌داد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علاوه بر اینکه برای نمازهای شبانه روزی خود لباس جداگانه‌ای داشت، لباس روز جمعه‌اش که در نماز جمعه می‌پوشید، با لباس سایر روزهای هفته متفاوت بود و در مورد آن حضرت گفته‌اند:

«وَكَانَ لَهُ ثَوْبَانِ لِلْجُمُعَةِ خَاصَّةً سَوَى ثِيَابِهِ فِي غَيْرِ الْجُمُعَةِ؛<sup>۳</sup> آن حضرت دو پیراهن داشت که مخصوص جمعه بود. این دو پیراهن غیر از لباسهایی بود که در سایر روزها می‌پوشید.»

امام صادق عليه السلام خطبای جمعه را به این نکته ظریف توجه می‌دهند که به هنگام ایراد خطبه به آراستگی خود

۱. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۰۰.

۲. کنز الفوائد، کراچکی، به نقل از: سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۱۲۶.

۳. سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۱۲۱.

توجه نمایند و از لباسهای مناسب، برای حضور در مصلا استفاده کنند:

«يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ الَّذِي يَخْطُبُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْ يَلْبَسَ عِمَامَةً فِي الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ وَ يَتَرَدَّى بِرِزْدٍ يَمْنِي أَوْ عَدْنِي»<sup>۱</sup> سزاوار است امام که برای مردم در روز جمعه خطبه می خواند، در تابستان و زمستان عمامه بر سر بگذارد و عبایی از برد یمنی و یا عدنی بر دوش افکند.»

سیره نویسان نوشته اند: پیامبر اکرم ﷺ در برخی از اعیاد و جمعه ها که برای مردم خطبه می خواند، لباسهایی با رنگ روشن و چشم نواز بر تن داشت:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَلْبَسُ بُرْدَهُ الْأَحْمَرَ فِي الْعِيدِ وَالْجُمُعَةِ»<sup>۲</sup> از جابر بن عبد الله نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ در روز عید و جمعه بُرد سرخ فام می پوشید.»

موضوع آراستگی خطیب جمعه از چنان اهمیتی برخوردار است که پیشوایان معصوم دین ﷺ با استناد به قرآن کریم، به بهترین و مناسب ترین شکل در مسجد ظاهر می شدند؛ چنان که در روایتی از امام باقر ﷺ، در

تفسیر آیه شریفه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»<sup>۳</sup> سیره رسول خدا را در جمعه ها و عیدها این طور بیان می فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ أَجْمَلَ الثِّيَابِ فِي الْجُمُعِ وَالْأَعْيَادِ»<sup>۴</sup> همانا پیامبر اکرم ﷺ در جمعه ها و اعیاد زیباترین لباسهای خود را می پوشید.»

## ۲. عطر و بوی خوش

رهبران دینی و یا مسئولانی که در میان مردم هستند و هر ساعتی با افراد مختلف و متعدد ملاقات می کنند، علاوه بر داشتن لباس و پوشش تمیز و مرتب، باید بدن و لباس آنان، به بوی خوش و روح نواز معطر باشد تا در جلب و جذب دیگران و تأثیر گذاری، توفیقات بیشتری را به دست آورند؛ زیرا چنین افرادی اگر مراقب نباشند و بوی نامطبوع بدن، لباس و یادهان آنها فضای کار و دیدار را پر کند، ضمن اینکه موجبات آزار دیگران را فراهم

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۷؛ بحار الانوار، ج

۸۹، ص ۲۱۰.

۲. سنن بیهقی، ج ۳، ص ۲۴۷.

۳. اعراف / ۳۱.

۴. عوالی اللثالی، ج ۲، ص ۲۹.

الطَّيِّبُ وَجُعِلَتْ قَرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛<sup>۳</sup> از دنیا سه چیز محبوب من شده: زنان و عطریات، و نور چشم من در نماز قرار داده شده است.»

همین علاقه مندی موجب گردیده بود تا بخش قابل توجهی از مخارج زندگی شخصی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را هزینه خرید عطریات تشکیل بدهد. در این مورد حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ؛<sup>۴</sup> آن مقدار که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای خریدن عطر و خوشبو کردن خود هزینه می کرد، برای خوردن و خوراک خویش هزینه نمی کرد.»

آن گاه که روز جمعه فرا می رسید، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم بدن مطهر خود را به بوی خوش، معطر می ساخت و هم به

کرده اند، نسبت به کم کردن اثر هدایتها و فعالیتها نیز اقدام مؤثری انجام داده اند.

از ویژگیهای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بود که آن حضرت، همیشه بدنش را به بوی خوش معطر می کرد. با اینکه تاریخ نویسان گفته اند: عرق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوی خوشی داشت، ولی علاقه مندی آن جناب به عطر تا آنجا بود که شخصی می گوید: از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدم: چه هدیه ای را پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیشتر دوست می دارد؟ به اتفاق گفتند:

«الطَّيِّبُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَإِنَّ لَهُ رَغْبَةً فِيهِ؛<sup>۱</sup> محبوب ترین چیزها در نزد آن حضرت عطریات است و رغبت زیادی به عطریات دارد.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از میان همه زرق و برقهای دنیا، دو چیز را انتخاب می کند و می فرماید: «مَا أَحَبُّ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِلَّا النَّسَاءُ وَالطَّيِّبُ؛<sup>۲</sup> چیزی از دنیای شما را دوست نمی دارم، مگر زنان و عطریات را.»

در روایتی دیگر می فرماید:

«حَبَّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثَ نَسَاءٍ وَ

۱. سنن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علامه طباطبایی، ص ۱۰۶

سنن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مدیر شانه چی، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۴۱؛ سنن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مدیر شانه چی، ج ۱، ص ۲۶۹.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۴۲؛ الخصال، صدوق، ج ۱، ص ۱۶۷.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۴۳؛ الکافی، ج ۶، ص ۵۱۲؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.

با آراستگی و خوشبویی در جایگاه خطابه جمعه قرار بگیرد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «وَيَنْبَغِي لِلْإِمَامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْ يَتَطَيَّبَ وَيَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهِ وَيَتَعَمَّمْ»<sup>۳</sup> و سزاوار است در روز جمعه، امام خود را خوشبو سازد و بهترین لباسش را بپوشد و عمامه بر سر بگذارد [و نماز را اقامه کند].»

### ۳. آرایش سر و صورت

خطیب جمعه باید علاقه‌مندی خود را به نظم و نظافت، در روشهای رفتاری زندگی، به شکل مطلوبی نمایان سازد تا با اعتماد سازهایی مختلف، بتواند توجه مخاطبان را جلب کند.

نخستین گام و ساده‌ترین بیان برای انتقال مفاهیم ارزشمندی چون نظم و نظافت به ذهن و ضمیر دیگران این است که خطیب، این‌گونه مفاهیم را در ظاهر وجودش بریزد و با شکل و شمایلی آراسته در میان مردم ظاهر

دیگران توصیه می‌فرمود که این کار را به عنوان «سنت نبوی» انجام بدهند:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِالطَّيِّبِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَإِنَّهُ مِنْ سُنتِي؛ ای علی! بر تو لازم است که در هر جمعه، خود را معطر و خوشبو کنی؛ چرا که این عمل، از سنت من است.»

یکی از دلایل تأکید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به خوشبو و معطر کردن در روز جمعه، به خاطر شرکت در نماز جمعه است. آن حضرت خود به طور مستمر این کار را انجام می‌داد:

«إِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَلَمْ يُصِبْ طَيِّبًا دَعَا بِتَوْبِ مَضْبُوعٍ بِزَعْفَرَانٍ فَرَشَّ عَلَيْهِ الْمَاءَ ثُمَّ مَسَحَ بِبَدِهِ ثُمَّ مَسَحَ بِهِ وَجْهَهُ»<sup>۲</sup> چون روز جمعه فرا می‌رسید و دست رسی به عطر پیدا نمی‌کرد، لباسی را که با زعفران رنگ شده بود، می‌خواست و بر آن اندکی آب می‌افشاند. سپس آن را به دست و صورت خود می‌مالید.»

با توجه به مطالب یاد شده، خطیب جمعه باید به پیروی از سنت نبوی و به خاطر تأثیرگذاری هر چه بیشتر، خود را خوشبو و معطر سازد و

۱. سنن النبی صلی الله علیه و آله، علامه طباطبایی، ص ۱۰۶.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۳؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، کتاب الصلاة، ح ۱۲۵۷.

۳. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۲۵۷.

می شود که انگار شیطان است.»  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موقعیتهای مختلف به موضوع پیرایش و آرایش موهای سر و صورت می پرداخت و در تعلیمات خود، مسلمانان را توصیه می فرمود که خویش را در این موضوع، شبیه یهودیها و مجوسیها نکنند:

«إِنَّ الْيَهُودَ يَغْفُونَ شَوَارِبَهُمْ وَيَقْصُونَ لِحَاهُمْ فَخَالِفُوهُمْ؛<sup>۲</sup> همانا یهودیان شارب خود را بلند می کنند و ریشهایشان را می تراشند؛ پس شما مسلمانان باروش آنها مخالفت کنید!»

آن حضرت در موارد دیگر می فرمود:

«مَنْ كَانَتْ لَهُ شَعْرَةٌ فَلْيُكْرِمْهَا؛<sup>۳</sup> کسی که مو دارد، باید قدر آن را بداند (و نسبت به نگهداری اش از آلودگیها محافظت کند)»

در فرهنگ اسلامی روز جمعه، روز پیرایش و آرایش اعلام شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْجُمُعَةُ لِلتَّنْظِيفِ

۱. المهجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۰۹.

۲. همان، ص ۳۲۲؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص

۱۱۱

۳. سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۹۱.

شود. او باید با آرایش موهای سر و صورت، کوتاه کردن ناخنها و مسواک زدن دندانها، بر آراستگی خویش بیفزاید و از این طریق، چشمهای همه آنان را که به هنگام ایراد خطابه با او رو به رو می شوند، نوازش بدهد.

بی دقتی و ژولیدگی در این گونه موارد، نه تنها نشان از زهد و بی رغبتی به دنیا نیست، بلکه نشانی از عدم تعادل روحی است که به شدت از طرف اولیای دین مورد تقبیح قرار گرفته و با تعبیر بسیار تنیدی از چنین افرادی مذمت شده است.

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جمعی از یاران خود نشستند که مردی با سر و صورتی نامنظم و موهای ژولیده، به جمع آنان وارد شد. همین که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چشمش به قیافه در هم ریخته این مرد افتاد، فرمود:

«أَمَا كَانَ لِهَذَا دَهْنٌ يُسَكِّنُ بِهِ شَعْرَهُ ثُمَّ قَالَ يَدْخُلُ أَحَدُكُمْ كَأَنَّهُ شَيْطَانٌ؛<sup>۱</sup> آیا برای این مرد مقداری روغن وجود نداشت تا به موهای خود بزند و آنها را مرتب و منظم کند؟ سپس در ادامه سخنان خود فرمود: یکی از شما داخل مجلس

دلی دردمند و درونی  
سرشار از سوز و گداز  
داشتن، از نعمتهای  
خداوند است که نصیب  
همه کس نمی شود. قابلیت  
می خواهد و این قابلیت  
باید بر اثر جهاد با نفس به  
وجود آید.

وَالطَّيِّبُ؛<sup>۱</sup> جمعه روز نظافت و  
آراستگی و خوشبو کردن است.  
و در جای دیگری فرمود: «تَقْلِيمُ  
الْأظْفَارِ وَقَصُّ الشَّارِبِ وَغَسْلُ الرَّأْسِ  
بِالْحِطْمِيِّ كُلُّ جُمُعَةٍ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي  
الرِّزْقِ؛<sup>۲</sup> آکوتاه کردن ناخنها و تراشیدن  
شارب و شستن سر با گیاه «خطمی» در  
هر جمعه، فقر را از بین می برد و رزق و  
روزی را افزون می سازد.»

رعایت این تعالیم در تمام روزها  
و برای همه مسلمانان لازم است؛ ولی  
برای آنان که بر جایگاه خطابه، در برابر  
جمعیت فراوانی قرار می گیرند،  
لازم تر است که به این گونه ظرافتها  
توجه داشته باشند.

الْجُمُعَةُ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الصَّلَاةِ؛<sup>۳</sup> پیامبر  
اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز جمعه پیش از اینکه از  
منزل برای اقامه نماز خارج شود،  
ناخنهایش را می گرفت و شاربش را  
می زد.

سیره رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
چنین بود که در روز جمعه و پیش از  
رفتن به نماز جمعه خود را پیرایش  
می کرد و سپس با آراستگی در جمع  
نمازگزاران حاضر می شد:

«كَانَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْلِمُ أَظْفَارَهُ وَيَقْصُ شَارِبَهُ يَوْمَ

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶۶.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۹۱؛ وسائل الشیعة، ج ۷،  
ص ۳۵۹.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۶؛  
بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۸.